

آمیولاتس

یک مطلب کاملاً علمی، بی‌شوخی



پوریا عالمی

● آخرین نظرسنجی از جوانان ایرانی منتشر شد. ۹/۳درصد از فیلترشکن استفاده می‌کنند. باقی هم به نظر ماصلازا اینترنت استفاده نمی‌کنند،امکان ندارد کسی بیاید توی اینترنتی و به در بسته نخورد و فیلتر نشکند. ۱۲/۳ برای فالود به اینترنت می‌آیند. پس می‌فهمیم نزدیک به ۹۰درصد ایرانی‌ها، برای آپلود کردن به اینترنت می‌آیند که ما در این زمینه دخالت نمی‌کنیم. ۳۹درصد برای فرار از تنهایی به اینترنت می‌آیند. به همین دلیل ۶۱درصد دیگر وقتی با هجوم این ۳۹درصد تنها مواجه می‌شوند، از آن طرف د می‌روند، در نتیجه کسانی که پای اینترنت می‌مانند همان اقلیت تنهاییان در جامعه هستند که اکثریت اینترنت را تشکیل می‌دهند. ۲۲/۳ برای تبادل تجربه به اینترنت می‌آیند. منتها چون تجربه‌ای برای تبادل ندارند، مجبور می‌شوند فیلترشکن را باز کنندو بروند سایت‌هایی که تجربه‌شان را بیشتر می‌کند. پنج‌درصد برای استفاده از سایت‌های غیراخلاقی وارد اینترنت می‌شوند. که ما متوجه نمی‌شویم واقعا چرا برای پنج‌درصد، اینترنت را کوفت ۹۵درصد می‌کنند و همه‌چیز را فیلتر می‌کنند؟واقعا،

۱/۱ برای استفاده از چت آنلاین می‌شوند که ما تکذیب می‌کنیم، ما هر کسی را تا حالا دیدیم یا گفته اسl plz یا سوکمان کرده که جفتش برای این بوده که سر صحبت را باز کند.

۸/۶ مخالف انتخاب همسر از طریق اینترنت هستند که به نظر ما منطقی است. چون با این سرعت اینترنت و این همه فیلتر، آدم همسر دلخواهش را نمی‌تواند یک‌نظر درست و حسابی ببیند و هی قطع و وصل می‌شود. ۵۵/۶ معتقد به مهریه هستند. اما صدردص معتقدند که مهریه را کی داده، کی گرفته که اگر این درست است پس آن درست نیست، پس هر دو.

۸۶/۴ ایمان دارند پیداکردن شغل، نیاز به سفارش و توصیه دارد که معلوم می‌شود باورشان قوی است.

۵۸/۳ درصد اعتقاد دارند مسؤلیت برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت باید به عهده دولت باشد که آدم خجالت می‌کشد توی این ۵۸درصد باشد. یعنی چی؟ جوان مملکت می‌خواهد برود پیک‌نیک و خوشگذرانی، دولت باید دستش را بگیرد ببرد؟ زشت است عزیزم. کم‌کم یاد بگیرید روی پای خودتان بایستید.

۱۲/۳ درصد از ماهواره استفاده می‌کنند که اگر فقط از محله ما آمار می‌گرفتند، ۴۰درصد به آمارشان اضافه می‌شد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۳
۱۳ ذی‌القعدة ۱۴۳۵
۹ سپتامبر ۲۰۱۴
سال دوازدهم
شماره ۲۱۰۹
۱۶صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲
اذان مغرب ۱۹:۳۹
اذان صبح فردا ۵:۱۷
طلوع آفتاب ۶:۴۳

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



علی رومانی
aliromani84@gmail.com

استفاده ۶۹ درصد جوانان از فیلترشکن



تشنگی

ما و مشکل آب

طبیعی و پایدار کشور بود. حالا هم حاضر نیستند دست از طرح‌های بلندپروازانه خود بردارند؛ طرح‌های وزیرانگری مانند انتقال آب دریای مازندران به کویر مرکزی و ارومیه، انتقال آب خلیج‌فارس به یزد و کرمان، آب کارون به مرکز ایران، ارس به ارومیه، آب زاب به ارومیه و هرآنچه ازاین‌دست باشد؛ فقطوقط به عمق بحران می‌افزاید و مشابه جابه‌جایی درخت در بیابان است. تنها راهی که می‌تواند قدمی ما را به حل مشکل نزدیک کند، توقف همه طرح‌های سدسازی و انتقال آب و سرزیرکردن بودجه‌های کلان این پروژه‌ها به سامانه اصلاح الگوی مصرف آب در کشاورزی، شرب و صنعت است. باید آبهای ایران مجدداً یا به سفره‌های آب‌های زیر زمینی بروند یا در چاله‌های طبیعی مانند دریاچه‌ها و تالاب‌ها ذخیره شوند و نه در پشت سدها یا بتخیر یا حیضومیل شوند.

«استادزیست‌شناسی دانشگاه تهران

جمعیتی و مسکونی را مسیر رودخانه‌ها شکل داده‌اند. هیچ آدم عاقلی، به‌خصوص اگر بناسند در نقش منجی مردم عمل کند حاضر نیست شریان‌های حیاتی یک کشور را به هم بریزد. اگر آن فرد با دوز و کلک و استخدام چند مزدور، درخت بیابان را به سوی خودش می‌آورد، شک نکنید که درخت خشک می‌شد و خرده‌اعتدای که مردم به او داشتند، از بین می‌رفت.

آخز: داستان بی‌آبی و مدیریت آب در این کشور، ریشه در عدم درک این آموزه ساده دارد. نخبگان آبی کشور در وزارتخانه نیرو و پیملکاران ذی‌نفع در چند دهه‌اخیر، به‌جای آنکه اجازه دهند توسعه در این کشور با ساختار طبیعی هماهنگ باشد برای اثبات پیامبری خود با هزینه‌های سنگین سدسازی و طرح‌های انتقال، آب را به مکان‌هایی بردند که اشتباه بود. مصرف آب را بهطور تصادفی بالا بردند و نتیجه عملکرد آنها، ویران‌شدن تمام ساختارهای سنتی،

حسین آخانی*

گزارش فردا

بهشتی از حضور مردم در عمارت مسعودیه می‌گوید

جشنواره موسیقی تهران؛ آشتی مردم با تاریخ پایتخت

فرهنگی تهران را به مردم معرفی کند؟ طبعاً نقش بی‌نظیری خواهد داشت. یادمان نرود که این فضاها، محل زندگی و حیات هستند و اگر جریان هنر در کالبد آنها به حرکت درآید می‌تواند هم به نفع آن رویناد باشد و هم به‌نفع میراث فرهنگی.

با این حال، برگزاری کنسرت‌ها در این نوع محیط‌ها همیشه مخالفانی هم داشته که لااقل نگذاشته‌اند موزیک پاپ به آثار تاریخی کشور وارد شود.

تقسیم‌بندی موسیقی به پاپ و غیرپاپ کار درستی نیست؛ موسیقی اگر واجد ارزش باشد می‌تواند به مجموعه آثار تاریخی کشور وارد شود و اگر نباشد که تکلیفش از پیش روشن است. ورود موسیقی به محیط‌های تاریخی هیچ منعی نداشته و ندارد و فقط باید شأن محیط حفظ شود و حفاظت فیزیکی از بنا اتفاق بیفتد. ورود جشنواره موسیقی تهران به عمارت مسعودیه نشان داد که تهران چقدر ظرفیت دارد و تا چه اندازه این ظرفیت مغفول مانده. کاخ نیاوران، سعدآباد، گلستان و بسیاری از آثار تاریخی این شهر می‌توانند محلی برای ارایه موسیقی و هنر باشند تا زندگی هنری در این شهر دوباره به جریان بیفتد و مردم در کنار شنیدن موسیقی با تاریخ شهرشان دوباره آشنا شوند.



عکس: رضا غزنوی/CHN

با به نظر می‌رسد که تا پیش از این سازمان میراث فرهنگی چندان موافق این اتفاق نبود و با اینکه در دوره جدید نیز، معاون سازمان قول برگزاری کنسرت آقای علیراده را در کاخ نیاوران داد، این وعده عملیاتی نشد؟ این مساله به‌دلیل عواملی بیرون از این سازوکار بود. هر گوهی که می‌خواهد کنسرتی را در فضاهای تاریخی برگزار کند، پس از موافقت مسئولان آن فضا لازم است که مسایل حقوقی‌اش را راسا پیگیری کند و با بخش‌های مختلف در نیروی انتظامی و... هماهنگی داشته باشد.

عمارت مسعودیه به که شما آن را به خوبی می‌شناسید، شب‌های شاد و پر از نوایی را می‌گذراند، جشنواره موسیقی تهران چقدر می‌تواند میراث

سعید برآبادی: عمارت مسعودیه، زیباتر از قبل، حالا هرشب آغوش می‌گشاید به روی آنهايي که می‌آیند تا در جشنواره موسیقی تهران شنونده و بیننده خوانندگان و آهنگسازان خود باشند. این‌روزها را تاریخ در خودش ثبت می‌کند، روزهای تعامل میراث‌فرهنگی با موسیقی کشور بی‌آنکه محدوددی جز همان موازین قانونی در میان باشد، یک اثر تاریخی نفیس، درهایش را گشوده است به روی گروه‌های مختلف موسیقی و به‌نظر می‌رسد که این موضوع، سیدمحمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری را خوشحال کرده است:

با در مقام یک چهره فعال در حوزه میراث فرهنگی کشور، برگزاری کنسرت در مجموعه‌های تاریخی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

طبیعتاً در نقشه این کار مشکلی که ندارد، هیچ، خیلی هم خوب است به این شرط که مراعات‌های یک محیط تاریخی رعایت شود و نگذاریم تهدیدبات احتمالی برگزاری یک کنسرت، به بنا و محوطه آن وارد شود. در کل، با رعایت مسایل حفاظتی می‌توان از مجموعه‌های تاریخی به‌عنوان محل برگزاری کنسرت موسیقی استفاده کرد.

میراث فردا

جلال آل قلم

می‌گفت دارم کتابی می‌خوانم درباره دعاها در تمامی ادیان و دعا در اسلام را دوستم عبدالله انوار نوشته است و عجیب بود که نمی‌دانستم چه رمزهاست و رازها را ادعیه اسلامی، دلم می‌خواهد این کتاب به فارسی امروزی درآید.

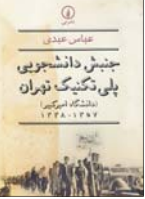
روزی گفت این همه امامزاده در ایران است، راه بیفتید برای هرکدامشان شناسنامه‌ای فراهم کنید؛ از شرح‌حال و تاریخ زندگی و آراگاهشان تا مردمی که در حول‌وحوششان هستند، با اعتقاداتی که دارند و آداب و رسومشان حتی قفل‌ها و گرهمایی که بر ضریحشان است، زیباست. گفتم باید قفل‌ها و گرما را گشود. گفت شاید اما اینها برای من داغ دل یک‌دهاتی است بر ضریح زیباست. اینها همه شعر است؛ در همه‌جا با جای پای سنت می‌گذاشت حتی در خله‌اش هیزم می‌ریخت به بخاری در خوزستان رسمی است هر حاجی که به حج رفته، به تعداد پنجاه‌هاش برچم می‌زنند. بالای در خانه، در کوچه می‌ایستاد به پوزکریم می‌گفت: عکس بگیر خیلی زیباست و خودش یادداشت برمی‌داشت یکبار پرسید کولی‌ها کجاينده؟ گفتیم در بیابان. گفت باید رقت دیدنشان و رفتیم. نشست میانشان به درد دلشان گوش کرد. دیدم بیشترشان دندان‌های‌شان از طلاست و می‌گفت ببین تنها ثروشان را و بعد با آنها دوست شده عکسی گرفت به یادگار. به تهران که آمد عکس را برایشان فرستاد.

روکردن به گذشته، او را از امروز بازمانی‌داشت. هرجا کتاب جایی می‌یافت، می‌خواندم می‌خواست‌از میان خاکستر، گوهرهای سنت را نجات دهد. یکبار گفت باید به کار صبیان خوزستان پرداخت. مثل زنبور به همه سوراخ‌ها سر می‌کشید و شهت‌ها فراهم می‌کرد. هم به حج رفت و هم به فرانسه، که مسکو را دید و هم لندن را. به کوره‌دهات ایران هم زیاد سفر می‌کرد. هم کار ساتر را می‌خواند و هم تفسیر قرآن را. وقتی خبر دادند او مرده است، به قبرستان رقتیم بر سنگ سرد مرده‌شورخانه او را دیدم. سرو بلند، آرام خفته بود، ریشش بلند بود. چهارماش سپید بود؛ از دور یک قرمزی می‌زد. جلورفتم. خطی از خون کنار دهانش دلمه بسته بود...

پیشنهاد فردا

خود لحاظ کرده است. بخش اصلی این کتاب چهار فصل است که چهار مقطع کلی را در بر می‌گیرد. فصل اول به سال‌های ۴۲-۳۸ می‌پردازد. این مقطع، زمان فعالیت‌های آشکار و علنی است. فصل دوم، اتفاقات سال‌های ۴۸-۴۲ را پوشش می‌دهد؛ دوره‌ای که دانشگاه آرام است و نظام استبدادی همه‌جا حاکم شده و گوئی تمامی مشکلات حل شده است، ولی بعدها مشخص می‌شود این سکوت، سکوت معناداری بوده و مقدمه‌ای شده برای اتفاقات بعدی. تجزیه و تحلیل رخنده‌های ۵۲-۴۸ فصل سوم این کتاب را تشکیل می‌دهد؛ مقطعی که در آن فواری رخ می‌دهد و باعث رشد وسیع جنبش دانشجویی می‌شود و از دل آن جنبش چریکی بیرون می‌آید. فصل چهارم دوره‌ای را شرح می‌دهد که در آن جنبش دانشجویی از انحصار چپ‌ها خارج می‌شود و بسط پیدا می‌کند.

جنبش دانشجویی ایران بخش مهمی از جنبش سیاسی منتهی به انقلاب است و دانشکده پلی‌تکنیک تهران (دانشگاه امیرکبیر کنونی) نیز یکی از پایگاه‌های مهم این جنبش بود و به همین دلیل نیز دوبار تا مرز انحلال پیش رفته. کتاب «جنبش دانشجویی پلی‌تکنیک تهران» تألیف عباس عبیدی، از یک سو دغدغه این نویسنده در پاسخ به این پرسش جامعه‌شناسی تاریخی است که چرا در ایران انقلاب شد و چرا اسلامی؟ و از سوی دیگر علاقه و ایفای دین نسبت به دانشگاه پلی‌تکنیک تهران است که خود نیز عضوی از دانشجویان سیاسی این دانشگاه بوده، از این‌رو کوشیده پاسخ به پرسش‌های دغدغه‌اول خود را از طریق تحلیل جنبش دانشجویی پلی‌تکنیک به‌دست آورد. هرچند تأکید نویسنده بر بخش اسلامی این جنبش دانشجویی است ولی تا آنجا که شرایط و امکانات اجازه داده سایر گرایش‌ها را نیز در تحلیل



غلامرضا امامی

چون اسب سرکشی می‌مانست، یکدم سکون نداشت. جریان جاری دریا بود در سرزمین مرداب و هرگز نایستاد. همیشه در سفر بود، سیر انفس و آفاق. جوانان سمندر برخاست از میان خاکستر، خاکستر شکست یک نسل.

یک تکیه‌گاه و امید در خاک نومی‌دی. نهایی که پیش از شهریور ۲۰ به خاک نشسته بود، نزدیک ۲۰سال درختی تنآور شده بود و میوه‌ها به در داده بود. در سرزمین رویش پستی، در دیار پلشتان، جلال، جلال بود و جلال ماند. جلال آل‌قلم، در کوچه فردوسی در خانه‌اش که می‌رقیم همه‌چور آدم بود؛ از شاعری پیر تا نوجوانی قصه‌نویس، از عالمی روحانی تا استادی دانشگاهی، در او جذبه‌ای بود. نمی‌خواست مراد شود اما شده بود. با همه‌کس می‌خوشید مثل آهن‌ریا می‌مانست. یک روز در دانشسرای عالی سخن می‌گفت، روز دیگر امتصاب سکوت بود؛ یعنی معلمان گفته بودند در کلاس‌ها حرفی نمی‌زنیم و بعد گفت که نمی‌نایستم سکوت، فریاد است و بعد او را از دانشسرا بیرون کردند. برای او نوشتم هوای تهران سرد است و دعوتش کردم به شهر خرمشهر و او نوشت: از وقتی از مدرسه بیرونم رانند خيال سفر دارم اما کی و به کجا؟ یکروز بعدازظهر پوزکریم آمد و گفت که جلال منتظر است. با هم به دیدنش رفتیم. تا دیدمان، گفت: ندیدی در این ملک، حق درس دادن هم ندارم! یک‌کت برک به تن داشت که سر آستینش رفته بود و یک‌گفتش گشاده به پارفتیم کنار شط، به‌خنده گفتم کفشتان مثل بله‌هاست. به‌شوخی گفتم می‌خواهم لااقل پایم احساس آزادی کند! بعد رفتیم به گورستان. قلم و کاغذ درآورد و نوشت و طرح قبری قدیمی کشید. بیرون که آمدیم قدم زدیم، به پاسگاه ژاندارمری که رسیدیم، دیدیم جمعی را گرفتند؛ جمعی که می‌خواستند به

Challenge Yourself

www.billcee.ir

● تهران (شهرک غرب): ۰۲۱) ۸۸۰۷۶۷۱۰

● تهران (مئیریه): ۰۲۱) ۶۶۴۷۸۸۳۶

● تهران (بلوار فردوس): ۰۲۱) ۴۴۰۱۱۲۵۸

● تهران (پونک): ۰۲۱) ۴۴۴۹۸۴۰۴

● اصفهان: ۰۳۱) ۳۶۲۴۷۱۲۸

● شیراز: ۰۷۱۱) ۶۲۸۳۱۳۷

● کرمانشاه: ۰۸۳۱) ۸۲۵۰۳۵۹

● اراک: ۰۸۶۳) ۲۲۱۲۲۷۵

● رشت: ۰۱۳۱) ۷۲۲۹۳۴۱

● گرگان: ۰۱۷۱) ۲۲۲۶۰۱۵

● آمل: ۰۱۱۴) ۴۲۴۶۴۲۶

● بابلسر: ۰۱۱۲) ۵۲۵۰۵۸۴

● نمک‌آبرود: ۰۱۱۵) ۴۶۰۳۱۰۴

● فریدون‌کنار: ۰۹۱۲) ۲۷۵ ۲۲۸۵

● آستارا: ۰۱۸۲) ۵۲۵۳۸۰۰

● امور نمایندگی‌ها:

تلفن: ۰۲۱) ۶۶۳۸۱۸۳۱-۲

همره: ۰۹۱۲ ۶۹۶۰ ۱۹۹

محصولات بیلسی را فقط از نمایندگی های مجاز خریداری فرمائید.